

فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار
سال دوازدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷
صص ۱۲۰-۱۰۷

تدوین مدل مفهومی دانشگاه مستقل براساس مطالعه دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته

محسن خسروی^۱، محبوبه‌السادات فدوی^۲، فریبا کریمی^۳

چکیده

تدوین مدل مفهومی دانشگاه مستقل بر اساس دانشگاه‌های کشورهای پیشرو می‌تواند نقش موثری در ارتقای دانشگاه داشته باشد. بنابراین هدف پژوهش حاضر تدوین مدل مفهومی دانشگاه مستقل بر اساس مطالعه دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته بود. این پژوهش جزء پژوهش‌های کیفی است که با روش تحلیل مضمون انجام شد. برای انجام این پژوهش ابتدا مضامین دانشگاه مستقل با استفاده از روش تحلیل مضمون و بر اساس حوزه پژوهش از میان ۵۲ مقاله از پایگاه‌های علمی مختلف بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ شناسایی شد. سپس مضامین استخراج شده دانشگاه مستقل در مطالعه دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته با مضامین سازمان‌دهنده در حوزه‌های هشت‌گانه شامل استقلال سازمانی، استقلال علمی، استقلال نیروی انسانی، استقلال مالی، پاسخگویی، بین‌المللی‌سازی، آزادی علمی و هیات امنایی شناسایی شدند. بنابراین مدیران، مسئولان و دست‌اندرکاران دانشگاه‌های کشور باید برای بهبود وضعیت کمی و کیفی دانشگاه‌ها و رشد و ارتقای آموزش عالی به نقش همزمان همه حوزه‌های هشت‌گانه توجه کرده و بر اساس آنها برنامه‌هایی طراحی، تدوین و اجرا کنند.

کلید واژه‌ها: مدل مفهومی، دانشگاه، کشورهای پیشرفته.

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۶/۲۳ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۹/۴

-
- ۱- دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
mohsen.khtmal@yahoo.com
 - ۲- استادیار، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)
mahboube.fadavi@gmail.com
 - ۳- دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
faribakarimi@khuisf.ac.ir

مقدمه

دانشگاه‌ها از جمله سازمان‌هایی هستند که در هر جامعه حساسیتی خاص دارند و این حساسیت بیشتر به این دلیل است که فعالیت داخلی آن در معرض دید همگان بوده و مورد قضاوت عامه مردم قرار می‌گیرد. دانشگاه‌ها باید پرورش‌دهنده دانشجویانی باشند که با جرات و جسارت و با تکیه بر انرژی درونی و تلاش و عملکرد خویش از شکست نهراسند و آن را پلی برای رسیدن به پیروزی بدانند (ساغری، علی اسماعیلی و حسین‌زاده، ۱۳۹۷). دانشگاه‌ها در طول دهه‌های گذشته ناگزیر بودند که همواره موازنه ظرفیتی را میان حق استقلال خود و اختیارات جوامعی که در آنها فعالیت می‌کردند، حفظ نمایند. آن‌ها اگر چه همیشه موفق نبودند، اما آرمان استقلال خواهی آنها هرگز رنگ نباخته است. دانشگاه‌ها در فرایند شکل‌گیری و تکامل خود ابعاد و ویژگی‌های مختلفی را در کشورهای مختلف جهان اختصاص داده‌اند و سطح استقلال دانشگاه‌ها در نظام‌های آموزش عالی نیز متفاوت بوده است (رحمانی میاندهی و نصرآبادی لواسانی، ۱۳۸۰). امروزه به دلیل تحولات مداوم و فرایپچیدگی‌هایی که جهان همواره به طور متناوب با آن روبروست، نظام‌های سیاسی و اجتماعی خصوصاً نظام آموزش عالی بیش از دیگر نظام‌ها در معرض نقد و بررسی جامعه و افکار عمومی قرار گرفته‌اند. کارآمدی نظام آموزش عالی و میزان مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی آن در انجام رسالت فوق و استفاده بهینه از فرصت‌ها و منابع به بررسی چالش‌های اساسی بستگی دارد. جامعه و دولت‌ها نیز به دلیل تأمین بودجه دانشگاه‌ها به طور فزاینده‌ای در خصوص چگونگی بکار بستن مسئولیت‌ها، کیفیت برنامه‌های آموزشی، نتایج تحقیقات، هماهنگی برنامه‌ها با نیازهای جامعه و غیره بر پاسخگویی دانشگاه‌ها تاکید دارند. هدایت و رهبری مؤثر در دانشگاه‌ها و وجود سیستم‌های دقیق نظارت و پاسخگویی یکی از ضرورت‌ها و نیازهای اجتناب‌ناپذیر در یک نظام کارآمد و خدمتگزار بوده و ابزاری مؤثر جهت نظارت و کنترل بر قدرت و پیشگیری از سوءاستفاده‌ها از اختیارات عمومی و در نهایت ابزاری جهت بهبود خدمات و خدمت‌رسانی مطلوب‌تر محسوب می‌شود (تقی پورظهیر و صفایی، ۱۳۸۸). دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نهادهایی هستند که لازم است تا از نظر دانش، علوم، فنون و الگوهای رفتاری حداقل یک گام از بقیه نهادها جلوتر باشند و نظر به نقش دانشگاه‌ها در پاسخگویی به نیازها و انتظارات اجتماعی و جهانی ایجاب می‌کند که آموزش عالی و سازمان‌های آموزشی به طور مداوم کیفیت فرایند و فعالیت‌های خود را بهبود بخشند (پهلوان

صادق، عبد‌الهی، نوه‌ابراهیم و زین‌آبادی، (۱۳۹۴). مدیریت متمرکز دولتی برای اداره دانشگاه‌ها نوعی هم‌شکلی و انجماد سازمانی را بوجود می‌آورد، در حالی که تنوع سازمانی دانشگاه‌ها و شیوه‌های گوناگون پاسخگویی به نیازها و شرایط و امکانات بیشتری را برپایه غنای علمی کشور فراهم می‌سازد (اسپیان^۱، ۲۰۱۷).

سهام‌داران بر این اصل توافق دارند که استقلال نهادینه برای دانشگاه‌های مدرن حائز اهمیت است و استقلال نهادینه یک پیش‌شرط ضروری است که به دانشگاه‌ها اجازه می‌دهد تا ماموریت‌های خود را به بهترین نحو ممکن انجام دهند (استرمان^۲، ۲۰۱۵). پاسخگویی بیرونی دانشگاه باید هماهنگ با اصول آزادی علمی و استقلال دانشگاهی صورت پذیرد. اگر پاسخگویی با این اصول در تضاد باشد یا دانشگاه نتواند تعادل میان آزادی علمی و استقلال دانشگاهی از یک سو و پاسخگویی به ذینفعان بیرونی را از سوی دیگر برقرار کند به سمت الگوهای ناکارآمد مدیریتی حرکت خواهد کرد که ممکن است یا دانشگاه را منزوی سازد یا به تابعیت و پیروی بی چون و چرا از نیروها و فشارهای بیرونی گرفتار کند. چنین دانشگاهی نخواهد توانست عملکرد سازنده و متعالی داشته باشد و به احتمال فراوان دچار ناکامی‌ها و اختلال‌های مهم عملکردی خواهد شد (پرداختچی، بازرگان، آراسته و مظفری، ۱۳۹۱). استقلال دانشگاه یک مفهوم دشوار و پنهان است که در متن‌های ملی و در طول زمان متغیر است و به صورت کلی استقلال دانشگاه را به عنوان قدرت نهاد برای مدیریت امور داخلی خود بدون نفوذ بی‌نظیر خارجی تعریف شده است (پیوکن^۳، ۲۰۰۷). در حالی که امکان تعریف واحدی برای دانشگاه مستقل وجود ندارد، اما در ادبیات منتشر شده یک توافق وجود دارد که استقلال دانشگاه مفهومی چندبعدی است. تعداد و نام ابعاد مختلف در سراسر جهان متفاوت است. مثلاً برخی دو بعد استقلال دانشگاهی و مالی را مطرح و برخی چهار بعد استقلال سازمانی، مالی، کارکنان و تحصیلی را بیان می‌کنند (اروز^۴، ۲۰۱۸). دانشگاه مستقل به معنای برخورداری از آزادی و عدم پابندی به مقررات دست‌وپاگیر دیوانسالارانه دولتی در ارتباط با سازمان داخلی دانشگاه، مدیریت آن، توزیع داخلی منابع مالی، کسب درآمد از منابع غیرعمومی، استخدام

1. Osipian

2. Estermann

3. Pauken

4. Orosz

کارکنان، شرایط تحصیل و برخورداری از آزادی در خصوص چگونگی تدریس و پژوهش (جاودانی، ۱۳۸۳). در دانشگاه‌های مستقل، دانشگاه مسئول طراحی و اجرای دوره‌ها می‌باشد. دانشگاه هیات علمی را استخدام، متقاضیان را ارزیابی و اولویت‌های استخدامی را تعیین می‌نماید. برکنار کردن و اخراج نیز در اختیار دانشگاه می‌باشد. دانشگاه مستقل بودجه خود را تنظیم و در مورد نحوه مصرف آن تصمیم می‌گیرد (وولرت^۱، ۲۰۱۴). دانشگاه مستقل دانشگاهی است که از دخالت مستمر دولت به جز در موارد خاص و آن هم شفاف به دور است، حق انتخاب ارکان خود را دارد، از منابع عمومی و دولتی به شکل کمک برخوردار است، در جذب کمک‌های مردمی، هدایا، موقوفات و کسب درآمد از محل تحقیقات و آموزش بدون اینکه به کیفیت علمی آسیبی وارد شود، آزاد است و اختیار چگونه هزینه کردن درآمدها و کمک‌های دولتی را دارد (اکوروسای-اروبیت، پائولی و آبراهام^۲، ۲۰۱۲). آزادی علمی را می‌توان آزادی اعضای جامعه علمی به صورت فردی، گروهی یا جمعی در پیگیری، توسعه و انتقال دانش قلمداد کرد (فراستخواه، ۱۳۸۸). پاسخگویی یک روش سیستماتیک برای حصول اطمینان از این است که عناصر درونی و بیرونی مؤسسات آموزش عالی در جهت اهداف قصدشده قرار دارند (عباس‌پور، شاکری، رحیمیان و فراستخواه، ۱۳۹۴). هیات امنای افرادی هستند که در رأس هرم‌های سازمانی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی قرار می‌گیرند و هدف دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی کشورهای مختلف از ایجاد چنین نهادهایی دادن اختیار و استقلال عمل بیشتر به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی، تمرکززدایی و تصمیم‌گیری بر پایه آراء، نظرات و مشارکت اعضا می‌باشد (عباس‌پور و همکاران، ۱۳۹۴).

استقلال دانشگاه سنگ بنای نظام دانشگاهی محسوب شده و بدین معنا است که دانشگاه‌ها در تعیین اهداف و اولویت‌های خود و اجرای آنها آزاد گذاشته شوند. استقلال دانشگاه به طور چشمگیری به چشم‌انداز کلی دانشگاه و میزان دخالت سیاست وابسته است. با وجود اینکه تأمین استقلال دانشگاه‌ها در آموزشی عالی نسبی بوده و به طور کامل و در هیچ دانشگاهی تحقق نیافته است، اما این مفهوم در دوران حیات خود همواره با دو مشکل اساسی مواجه بوه است. ابتدا درک نادرست از ابعاد و شاخص‌ها و سپس موانع متفاوت پیش روی آن به‌ویژه متأثر از

^۱. Woelert

^۲. Okorosaye-Orubite, Paulley & Abraham

دخالت‌های دولتی (غیائی ندوشن و خلیلی، ۱۳۹۷). سیر تحول استقلال و خودمختاری دانشگاه‌ها در ایران را در پنج مرحله می‌توان دسته‌بندی کرد. مرحله اول سال‌های ۱۲۷۷ تا ۱۳۳۹ را شامل می‌شود که شورای دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی عملاً عهده‌دار هدایت نسبی مؤسسات علمی بودند. مرحله دوم سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۸ را شامل می‌شود که به صورت مستقل اداره می‌شدند و تابع آیین‌نامه‌های مصوب هیات امنای خود بودند. اعتبارات جاری منظور در بودجه سالانه کل کشور برای این قبیل مؤسسات بر اساس آیین‌نامه‌های مصوب هیات امنای آنها مصرف می‌شد. مرحله سوم سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۶ را شامل می‌شود که تسهیلات اعطایی به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی لغو و مصرف اعتبارات جاری، عمرانی و اختصاصی آنها تابع مقررات عمومی شد. مرحله چهارم سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۲ را شامل می‌شود که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی از طریق وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و شورای عالی انقلاب فرهنگی تلاش‌های برای کسب استقلال مجدد مالی، اداری و استخدامی به عمل آوردند. مرحله پنجم سال‌های ۱۳۸۳ به بعد را شامل می‌شود که بر اساس آن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی و همچنین فرهنگستان‌های تخصصی دارای مجوز از شورای گسترش آموزش عالی و وزارت‌خانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراجع قانونی ذیربط هستند، صرفاً بر اساس آیین‌نامه‌ها و مقررات اداری، مالی، استخدامی و تشکیلاتی خاص مصوب هیات امنای مربوط که به تأیید وزارتین می‌رسد بدون الزام به رعایت قانون محاسبات عمومی، قانون استخدام کشوری و سایر قوانین و مقررات عمومی اداری و مالی و استخدامی اداره خواهند شد (ذاکر صالحی، ۱۳۸۸).

درباره استقلال دانشگاه یا دانشگاه مستقل پژوهش‌های بسیار اندکی انجام شده است. برای مثال استرمان و استینل^۱ (۲۰۱۱) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که استقلال دانشگاه شامل چهار بعد استقلال سازمانی، استقلال علمی، استقلال مالی و استقلال استخدامی است. کوتایر^۲ (۲۰۰۸) استقلال دانشگاه را چهار نوع خاص معرفی می‌کند که شامل استقلال سازمانی (به معنای وجود استقلال و ظرفیت تصمیم‌گیری برای ساختار داخلی و ماموریت‌های خاص)، علمی (به معنای توانایی تعریف ماموریت‌های خاص)، شخصی (به معنای ظرفیت برای مدیریت کردن کارکنان

۱. Estermann & Steinel

۲. Kothbauer

علمی و اداری و مسئولیت پذیری برای توسعه فردی) و مالی (به معنای در دسترس بودن بودجه به صورت یک جا و ظرفیت در جمع آوری بودجه‌ها و دارایی‌ها همراه با قابلیت و ظرفیت هزینه کردن کامل بودجه‌ها بر اساس برنامه‌های استراتژیک و در نهایت اطمینان از ثبات مالی) است. همچنین غیای نداشتن و خلیلی (۱۳۹۷) ضمن پژوهشی با عنوان نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه‌ها به این نتیجه رسیدند که چهار بعد استقلال سازمانی، مالی، علمی و استخدامی به عنوان ابعاد اصلی استقلال دانشگاه بیشترین اشتراک نظر را داشته و فرایندهای سیاسی کشورها، حاکمیت تفکر سیاسی، سیستم متمرکز تصمیم‌گیری دولتی، محدودیت‌های مالی و استخدامی، تعصبات خاص جناحی یا حزبی از مهمترین موانع در مسیر تحقق استقلال دانشگاه بوده که در بروز تمامی این موارد دولت‌ها نقش اساسی ایفا می‌نمایند. عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۴) ضمن پژوهشی با عنوان تحقیق کیفی پیرامون راهبردهای پاسخگویی دانشگاه‌های دولتی از دیدگاه خبرگان آموزش عالی به این نتیجه رسیدند که شش مقوله اصلی راهبردهای پاسخگو نمودن دانشگاه‌های دولتی شامل استقلال دانشگاهی (عدم دخالت و تصدی‌گری دولتی، واگذاری اختیارات به دانشگاه، استقلال دانشگاه و آزادی علمی)، مشارکت (مشارکت دانشجویان در امور دانشگاه، استاتید در امور دانشگاه، دانشگاهیان در امور جامعه و ذینفعان بیرونی در امور دانشگاه)، تعاملات علمی - کاربردی (تعاملات با صنعت و سایر مؤسسات آموزشی، سایر بخش‌ها و تعاملات پژوهشی)، بین‌المللی شدن دانشگاه، کاربردپذیری و تأمین و تخصیص منابع مالی بود.

در ایران موضوع پاسخگویی به علل تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به صورت دقیق و نظام‌مند مورد بررسی قرار نگرفته است. در نتیجه شناخت کافی از پاسخگویی دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی در ایران در اختیار نیست یا مروری بر مسیر تکوین و پیشرفت نظام آموزش عالی در ایران نشان می‌دهد که اعتلای خودگردانی به دستگاه‌ها در برنامه توسعه چهارم برای اولین بار مطرح و تصویب شده و دولت مکلف شده است که دانشگاه‌ها را در جهت پاسخگویی و جواب‌دهی توانمند سازند تا آنجا که بتوانند نیازهای بخش‌های مختلف جامعه را برآورده سازند. فشارهای کنونی از سوی جامعه کارفرمایان، دانشجویان و سایر ذینفعان بیرونی برای پاسخگویی بیشتر و حاکمیت خوب سبب می‌شود تا آنها در ساختارها، ماموریت‌ها، کارکردها و فرایندهای خود تجدیدنظر و مهندسی مجدد یابند (پرداختچی و همکاران، ۱۳۹۱). همچنین اهمیت مساله

به حدی است که برخی کارشناسان تحول جدید را به مثابه تأسیس یک دولت محلی برای هر مرکز علمی تعبیر کردند، یعنی تأسیس یک واحد مدیریتی با قوانین استخدامی و مالی منحصر به فرد که حاکی از خودمختاری در بیشتر زمینه‌های فعالیت باشد. در شرایط حاضر چنانچه دانشگاه‌ها با بهره‌مندی هر چه بیشتر از اختیارات هیات‌های امانا و تقویت کمیسیون‌های دایمی نتوانند نسبت به وضع و تصویب قوانین و مقررات جدید به موقع اقدام کنند در وضعیت خلأ قانونی بسر خواهند برد. وضعیتی که تداوم آن برای دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی خسارت زیادی به بار خواهد آورد (ذاکر صالحی، ۱۳۸۸). بی‌توجهی به استقلال دانشگاه باعث بی‌انگیزگی اساتید، مدیران و کارکنان آن می‌شود. زیرا چنانچه خود سیاست‌ها و برنامه‌های حوزه خود را تدوین کند، خویش را در قبال تصمیماتی که گرفته شریک می‌داند و تلاش می‌کند که به اهداف و رسالت‌های خود جامه عمل بپوشاند و دیگر بهانه‌ای برای مقصر دانستن دیگران در شکست برنامه‌ها نداشته باشد. با توجه به اینکه دانشگاه محل کار اعضای هیات علمی و مدیران متخصص است و آنان بهتر از هر کسی می‌توانند برنامه‌های دانشگاه را تدوین نمایند، لذا سزاوار است که استقلال دانشگاه بیشتر از هر سازمانی به رسمیت شناخته شود. در نتیجه این پژوهش مهمترین مولفه‌های دانشگاه مستقل در کشورهای پیشرفته را شناسایی می‌کند و در این راه چند کشور که از لحاظ رتبه‌بندی جهانی و همسایگی و مسلمان بودن جایگاه مناسبی داشتند (انگلیس، استرالیا و چین) را مورد مطالعه قرار داده و در پایان مدلی تدوین می‌نماید تا مدیران و برنامه‌ریزان آموزش عالی کشور بتوانند از آن در جهت رشد و بالندگی دانشگاه و ارتقای مدیریت آن استفاده نمایند. بنابراین هدف پژوهش حاضر تدوین مدل مفهومی دانشگاه مستقل بر اساس مطالعه دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته بود.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا جزء پژوهش‌های کیفی است که به منظور جمع‌آوری‌ها از روش مثلث‌سازی استفاده شده است. به منظور تدوین مبانی نظری و ادبیات پژوهش از تحلیل مضمون و سیاهه جهت گردآوری داده‌های اولیه که از قبل وجود نداشتند، استفاده شد. روش تحلیل شبکه مضامین روش مناسبی در تحلیل مضمون است که آتراید-استیرلینگ، (۲۰۰۱) آن را توسعه دادند. شبکه مضامین بر اساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن استخراج نموده (مضامین پایه)، سپس با دسته‌بندی این

مضامین پایه‌ای و تلخیص آنها به صورت مجردتر و انتزاعی به دسته‌بندی جدید دست پیدا می‌کند (مضامین سازمان‌دهنده) و در نهایت یا قدم سوم این مضامین عالی در قالب استعاره‌های اساسی گنجانده شده و به صورت مضامین حاکم بر کل متن درمی‌آیند (مضامین فراگیر). جامعه پژوهش این مطالعه کلیه مقالات داخل و خارج کشورهای انگلیس، استرالیا و چین مندرج در پایگاه‌های علمی الزویر، ساینس دایرکت، پروکوئست و اشیرینگر بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ می‌باشند که در حوزه مطالعات دانشگاه مستقل نمایه شده‌اند. دو عامل مهم در انتخاب این کشورها نقش داشته است. یکی جایگاه کشورها در رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان و دیگری مطالعات و پژوهش‌های معتبر این کشورها در زمینه دانشگاه مستقل بود. به طور کلی می‌توان گفت که برای انجام این پژوهش ابتدا مضامین دانشگاه مستقل با استفاده از روش تحلیل مضمون و بر اساس حوزه پژوهش از میان ۵۲ مقاله از پایگاه‌های علمی مختلف بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ شناسایی شد. سپس مضامین استخراج‌شده دانشگاه مستقل در مطالعه دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته با مضامین سازمان‌دهنده در حوزه‌های هشت‌گانه شامل استقلال سازمانی، استقلال علمی، استقلال نیروی انسانی، استقلال مالی، پاسخگویی، بین‌المللی‌سازی، آزادی علمی و هیات امنایی شناسایی شدند. لازم به ذکر است که تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون انجام شد.

یافته‌ها

نتایج مضامین پایه استخراج‌شده دانشگاه مستقل بر اساس دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. نتایج مضامین پایه استخراج‌شده دانشگاه مستقل بر اساس دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته

ردیف	مولفه‌ها یا مضامین	انگلیس	استرالیا	چین
۱	عدم دخالت دولت	*		
۲	استقلال سازمانی	*	*	*
۳	استقلال در گزینش اساتید و دانشجویان و کارکنان	*	*	*
۴	استقلال در برگزاری دوره ضمن خدمت	*		
۵	توانایی عزل کارکنان	*		
۶	استقلال در بازنگری ساختار	*		*
۷	استقلال آکادمیک	*		
۸	توانایی تصمیم‌گیری در انتخاب روسا	*		*
۹	توانایی در خاتمه دادن برنامه‌ها	*		
۱۰	توانایی انتخاب شاخص‌های تضمین کیفیت	*	*	
۱۱	توانایی در دریافت هزینه کردن شهریه‌ها	*	*	*

۱۲	توانایی استقراض پول از دولت و بانک‌ها	*	
۱۳	توانایی جذب منابع حاصل از مشارکت‌ها	*	*
۱۴	استقلال در انتخاب دانشجویان	*	*
۱۵	توانایی نگهداری درآمدهای اختصاصی دانشگاه	*	
۱۶	دانشگاه مستقل	*	
۱۷	توانایی مالکیت بر ساختمان‌ها	*	*
۱۸	ظرفیت انتخاب محتوای دروس	*	*
۱۹	توانایی بر روی روش‌های استخدام اساتید	*	*
۲۰	توانایی عزل اساتید	*	*
۲۱	توانایی تصمیم بر روی حقوق	*	
۲۲	هیأت امنایی اداره کردن دانشگاه	*	
۲۳	استقلال عمل در دانشگاه	*	
۲۴	استقلال علمی	*	
۲۵	توانایی تصمیم برای انتشار دانش	*	*
۲۶	توانایی در دادن بورس تحصیلی	*	
۲۷	توانایی توجه به مسائل اخلاقی	*	
۲۸	توانایی توجه به مسائل سیاسی	*	
۲۹	توانایی توجه به مسائل اقتصادی	*	
۳۰	توانایی توجه به مسائل اجتماعی	*	
۳۱	آزادی آکادمیک	*	*
۳۲	توانایی تصمیم‌گیری برای مشارکت آزاد	*	
۳۳	آزادی آکادمیک هیات علمی	*	
۳۴	توانایی در دادن آزادی بیان	*	
۳۵	توانایی تدوین و ارائه برنامه	*	
۳۶	توانایی تصمیم‌گیری راجع به تعداد دانشجو	*	
۳۷	استقلال در تشکیلات اداری	*	
۳۸	توانایی جذب دانشجویان بین‌المللی	*	*
۳۹	تمرکززدایی	*	
۴۰	ارتباط با سازمان‌های دیگر	*	
۴۱	استقلال مدیریتی	*	
۴۲	ایجاد ظرفیت‌های پاسخگویی دانشگاه	*	
۴۳	پژوهش‌های دانشگاهی	*	
۴۴	ظرفیت بین‌المللی کردن دانشگاه	*	
۴۵	استقلال مالی	*	
۴۶	استقلال حقوقی	*	
۴۷	مدیریت کارکنان	*	

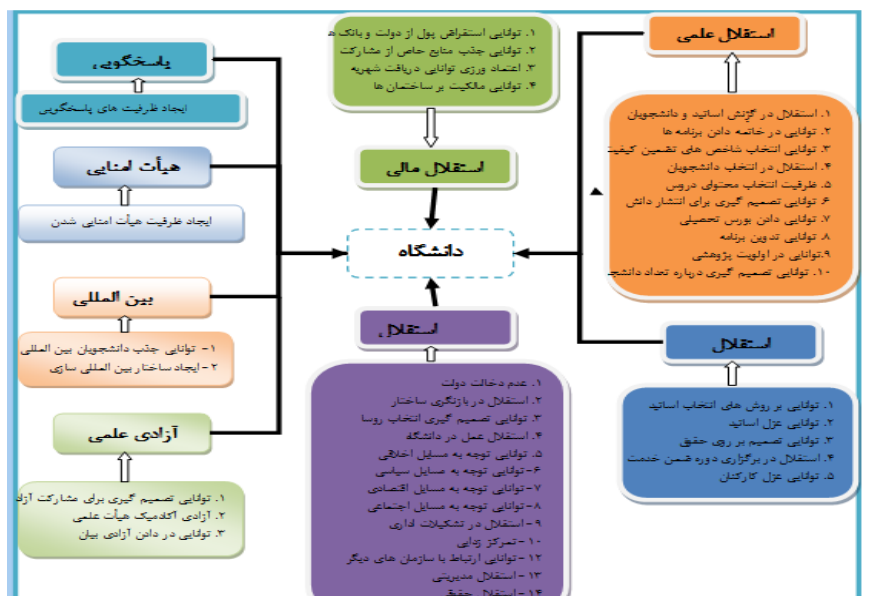
بر اساس نتایج جدول فوق ۴۷ مؤلفه یا مضمون پایه برای دانشگاه مستقل بر اساس دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته شناسایی شد. نتایج مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه استخراج شده دانشگاه مستقل بر اساس دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. نتایج مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه استخراج شده دانشگاه مستقل بر اساس دانشگاه‌های

کشورهای پیشرفته

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
دانشگاه مستقل	استقلال مالی	۱. توانایی استقرار پول از دولت و بانک‌ها ۲. توانایی جذب منابع خاص از مشارکت ۳. توانایی اعتماددورزی دریافت شهریه ۴. توانایی مالکیت بر ساختمان‌ها
استقلال علمی	استقلال علمی	۱. استقلال در گزینش اساتید و دانشجویان ۲. توانایی در خاتمه دادن برنامه‌ها ۳. توانایی انتخاب شاخص‌های تضمین کیفیت ۴. استقلال در انتخاب دانشجویان ۵. ظرفیت انتخاب محتوای دروس ۶. توانایی تصمیم‌گیری برای انتشار دانش ۷. توانایی دادن بورس تحصیلی ۸. توانایی تدوین برنامه ۹. توانایی در ارائه اولویت پژوهشی ۱۰. توانایی تصمیم‌گیری درباره تعداد دانشجویان
استقلال نیروی انسانی	استقلال نیروی انسانی	۱. توانایی پرورش‌های انتخاب اساتید ۲. توانایی عزل اساتید ۳. توانایی تصمیم بر روی حقوق ۴. استقلال در برگزاری دوره ضمن خدمت ۵. توانایی عزل کارکنان
استقلال سازمانی	استقلال سازمانی	۱. عدم دخالت دولت ۲. استقلال در بازنگری ساختار ۳. توانایی تصمیم‌گیری انتخاب روسا ۴. استقلال عمل در دانشگاه ۵. توانایی توجه به مسائل اخلاقی ۶- توانایی توجه به مسائل سیاسی ۷- توانایی توجه به مسائل اقتصادی ۸- توانایی توجه به مسائل اجتماعی ۹- استقلال در تشکیلات اداری ۱۰- تمرکززدایی ۱۲- توانایی ارتباط با سازمان‌های دیگر ۱۳- استقلال مدیریتی ۱۴- استقلال حقوقی
پاسخگویی	پاسخگویی	۱- ایجاد ظرفیت‌های پاسخگویی دانشگاه
هیات امنه	هیات امنه	۱- ایجاد ظرفیت هیات امنایی شدن دانشگاه
بین‌المللی سازی	بین‌المللی سازی	۱- توانایی جذب دانشجویان بین‌المللی ۲- ایجاد ساختار بین‌المللی سازی
آزادی علمی	آزادی علمی	۱. توانایی تصمیم‌گیری برای مشارکت آزاد ۲. آزادی آکادمیک هیأت علمی ۳. توانایی در دادن آزادی بیان

بر اساس نتایج جدول فوق از میان مضامین پایه برای مضمون فراگیر دانشگاه مستقل بر اساس دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته تعداد هشت مضمون سازمان‌دهنده شناسایی شد. مضامین سازمان‌دهنده در حوزه‌های هشت‌گانه شامل استقلال مالی (دارای ۴ مضمون پایه)، استقلال علمی (دارای ۱۰ مضمون پایه)، استقلال نیروی انسانی (دارای ۵ مضمون پایه)، استقلال سازمانی (دارای ۱۴ مضمون پایه)، پاسخگویی (دارای ۱ مضمون پایه)، هیات امنای (دارای ۱ مضمون پایه)، بین‌المللی‌سازی (دارای ۲ مضمون پایه) و آزادی علمی (دارای ۳ مضمون پایه) هستند. بنابراین مدل مفهومی دانشگاه مستقل بر اساس دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته در نمودار ۱ گزارش شده است.



نمودار ۱. مدل مفهومی دانشگاه مستقل بر اساس دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته

بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت دانشگاه مستقل به حدی است که برخی کارشناسان تحول جدید را به مثابه تأسیس یک دولت محلی برای هر مرکز علمی تعبیر کردند، یعنی تأسیس یک واحد مدیریتی با قوانین استخدامی و مالی منحصر به فرد که حاکی از خودمختاری در بیشتر زمینه‌های فعالیت باشد. بی‌توجهی به استقلال دانشگاه باعث بی‌انگیزگی اساتید، مدیران و کارکنان آن می‌شود. زیرا چنانچه خود سیاست‌ها و برنامه‌های حوزه خود را تدوین کند، خویشتن را در قبال تصمیماتی

که گرفته شریک می‌داند و تلاش می‌کند که به اهداف و رسالت‌های خود جامه عمل بپوشاند و دیگر بهانه‌ای برای مقصر دانستن دیگران در شکست برنامه‌ها نداشته باشد. با توجه به اینکه دانشگاه محل کار اعضای هیات علمی و مدیران متخصص است و آنان بهتر از هر کسی می‌توانند برنامه‌های دانشگاه را تدوین نمایند، لذا سزاوار است که استقلال دانشگاه بیشتر از هر سازمانی به رسمیت شناخته شود. در نتیجه هدف پژوهش حاضر تدوین مدل مفهومی دانشگاه مستقل بر اساس مطالعه دانشگاه‌های کشورهای پیشرفته بود.

نتایج نشان داد که از میان مضامین پایه تعداد هشت مضمون سازمان‌دهنده برای مضمون فراگیر دانشگاه مستقل شناسایی شد که این مضامین سازمان‌دهنده شامل استقلال سازمانی، استقلال علمی، استقلال نیروی انسانی، استقلال مالی، پاسخگویی، بین‌المللی‌سازی، آزادی علمی و هیات امنایی بودند. با اینکه پژوهش‌های اندکی درباره دانشگاه مستقل و مضامین و مولفه‌های آن انجام شده، اما نتایج این پژوهش از جهاتی با نتایج پژوهش‌های قبلی همسو بود. برای مثال استرمان و استینل (۲۰۱۱) استقلال دانشگاه را شامل چهار بعد استقلال سازمانی، استقلال علمی، استقلال مالی و استقلال استخدامی معرفی کردند. کوتایر (۲۰۰۸) استقلال دانشگاه را شامل چهار بعد استقلال سازمانی، علمی، شخصی و مالی می‌داند. همچنین غیائی ندوشن و خلیلی (۱۳۹۷) چهار بعد استقلال سازمانی، مالی، علمی و استخدامی را به‌عنوان ابعاد اصلی استقلال دانشگاه شناسایی کردند. عباس‌پور و همکاران (۱۳۹۴) شش مقوله اصلی راهبردهای پاسخگو نمودن دانشگاه‌های دولتی را شامل استقلال دانشگاهی، تعاملات علمی - کاربردی، بین‌المللی شدن دانشگاه، کاربردپذیری و تأمین و تخصیص منابع مالی معرفی کردند.

نتایج پژوهش حاضر نشان از شناسایی مولفه‌های مهمی چون عدم دخالت دولت، استقلال سازمانی، استقلال در گزینش اساتید و کارکنان، توانایی عزل کارکنان، توانایی تصمیم‌گیری، انتخاب روستا، توانایی در خاتمه دادن به برنامه‌ها، توانایی انتخاب شاخص تخمین، توانایی در دریافت و هزینه کردن شهریه‌ها، توانایی استقراض پول از دولت و بانک‌ها، توانایی جذب حاصل از مشارکت‌ها، دانشگاه مستقل، توانایی مالکیت بر ساختمان‌ها، ظرفیت انتخاب محتوای درس، توانایی بر روی روش‌های استخدام اساتید، توانایی تصمیم بر روی حقوق، استقلال عمل در دانشگاه، توانایی جذب حاصل از مشارکت‌ها، استقلال در انتخاب و گزینش دانشجویان، توانایی عزل اساتید، توانایی تصمیم برای مشارکت آزاد، آزادی آکادمیک هیات علمی، آزادی بیان،

توانایی و تدوین ارائه برنامه، توانایی تصمیم‌گیری راجع به تعداد دانشجو، استقلال در تشکیلات اداری، توانایی تصمیم‌گیری برای انتشار دانش و غیره بود. در نتیجه اعطای استقلال به دانشگاه‌ها سیاستی اصولی برای افزایش مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و ایجاد ثبات است. جذب منابع مالی، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری از موضوعات مهم در بحث استقلال علمی دانشگاه‌ها است و بر این نکته تاکید می‌کند که کمک‌های مالی دولت‌ها هرگز نباید مانع از آزاداندیشی دانشگاه‌ها و روحیه حقیقت‌جویی آنان گردد. ماهیت و سرشت دانش که رهایی بخشی، نقادی و نوآوری است، آزادی و خودمختاری نهادهای علمی را طلب می‌کند. اعطای استقلال به دانشگاه‌ها سیاستی اصولی برای افزایش مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و ایجاد ثبات است، اما پاسداری از استقلال واقعی دانشگاه و تبدیل نکردن آن به سازمانی متمرکز به آسانی صورت نمی‌گیرد. حکمرانی امکان تعامل آزادی علمی با محیط علمی و پژوهشی بین‌المللی را داشته و دانشگاه‌ها باید بتوانند خود درآمد اختصاصی داشته و از اختیار‌گزینش دانشجو و استاد برخوردار باشند. بنابراین پیشنهاد می‌شود مدیران، مسئولان و دست‌اندرکاران دانشگاه‌های کشور برای بهبود وضعیت کمی و کیفی دانشگاه‌ها و رشد و ارتقای آموزش عالی به نقش همزمان همه حوزه‌های هشت‌گانه توجه کرده و بر اساس آنها برنامه‌هایی طراحی، تدوین و اجرا کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود پیش‌نیازهای اساسی تحقق دانشگاه مستقل از جمله افزایش قدرت اعضای هیات علمی، نهادینه کردن مدیریت مشارکتی و بهبود نظام مالی و اداری در دانشگاه‌ها ایجاد شود.

منابع

- ذاکر صالحی، غلامرضا. (۱۳۸۸). بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی استقلال دانشگاه‌ها در ایران (موضوع ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه) و تدوین راهکارهای اجرایی تحقق آن. **فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، ۱۵(۵۳)، ۱۰۶-۷۹.
- پرداختچی، محمدحسن؛ بازرگان، عباس؛ آراسته، حمیدرضا و مظفری، گشتاسب. (۱۳۹۱). شکاف پاسخگویی بیرونی دانشگاه‌ها از دیدگاه جامعه علمی. **فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی**، ۱۸(۱)، ۹۱-۱۱۲.
- پهلوان صادق، اعظم؛ عبدالهی، بیژن؛ نوه‌ابراهیم، عبدالرحیم و زین‌آبادی، حسن‌رضا. (۱۳۹۴). طراحی و تبیین الگوی جامعه یادگیرنده حرفه‌ای در نظام آموزش عالی. **فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی**، ۳(۱۰)، ۳۸-۱۷.

- تقی پورظهیر، علی و صفایی، طیبه. (۱۳۸۸). ارائه مدلی جهت پاسخگویی مدیران نظام آموزش عالی در ایران. **مجله پژوهش های مدیریت**، ۲۰(۸۲)، ۱۰۷-۱۲۳.
- جاودانی، حمید و پرداختچی، محمدحسن. (۱۳۸۶). بررسی وضعیت توسعه سازمانی در نظام آموزش عالی ایران. **فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی**، ۱۳(۴)، ۴۴-۲۱.
- رحمانی میاندهی، غلامرضا و نصرآبادی لواسانی، زهرا. (۱۳۸۰). استقلال دانشگاه در آینده. **مجله پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی**، ۷(۲)، ۱۰۲-۶۵.
- ساغری، فاطمه؛ علی اسماعیلی، عبدالله و حسین زاده، بابک. (۱۳۹۷). ارائه مدل عوامل مؤثر بر کارآفرینی دانشگاه در دانشگاه های آزاد اسلامی استان مازندران. **فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی**، ۱۲(۲)، ۹۱-۱۰۶.
- عباس پور، عباس؛ شاکری، محسن؛ رحیمیان، حمید و فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۴). تحقیق کیفی پیرامون راهبردهای پاسخگویی دانشگاه های دولتی از دیدگاه خبرگان آموزش عالی. **فصلنامه پژوهش های رهبری و مدیریت آموزشی**، ۳۱(۳)، ۱-۲۷.
- غیاثی ندوشن، سعید و خلیلی، ابراهیم. (۱۳۹۷). نقش و جایگاه دولت در استقلال دانشگاه ها. **فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، ۴(۱۴)، ۲۳۲-۱۸۳.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۸). استقلال دانشگاهی؛ تحولات مفهومی و چالش های جهانی آن. **مجموعه مقالات رویکردها و چشم اندازهای نو در آموزش عالی**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی، ۹۴-۳۶۱.
- Estermann, T. (2015). **University autonomy in Europe**. California: University Education Publisher.
- Estermann, T., & Steinel, M. (2011), *University autonomy in Europe*, European University Association, Beitrage Zur Hochschulforschung.
- Kothbauer, M. (2008). **Autonomy and its challenges in a world of global education**. Austria: International Association of University Governing Bodies, University of Vienna.
- Orosz, K. (2018). Interconnected dimensions of University Autonomy in Europe. **In European Higher Education Area: The Impact of Past and Future Policies**, 639-649.
- Okorosaye-Orubite, A. K., Paulley, F. G., & Abraham, N. M. (2012). University autonomy, academic freedom and academic staff union of universities' (ASUU) struggles in Nigeria: A historical perspective. **Asian Social Science**, 8(12), 265-275.
- Osipian, A. L. (2017). University autonomy in Ukraine: Higher education corruption and the state. **Communist and Post-Communist Studies**, 50(3), 233-243.
- Pauken, P. D. (2007). Academic freedom and institutional autonomy in American and Australian universities: A twenty-first century dialogue and a call to leaders. **Australia & New Zealand Journal of Law & Education**, 12(1), 7-27.
- Woeiert, P. (2014). Between 'autonomy and control': A comparative perspective on university governance reforms. **Paper presented in track 1 at the EAIR 36th Annual Forum in Essen, Germany**, 27-30.